

سلسله فتوحات با شبیخون هایی ساده و بدون اندیشه جهانگشایی اسلامی، توسط اعرابی آغاز شد که ما به خطا آنانرا رزمندگان اسلام میخوانیم، زیرا در آن هنگام بخش اعظم این رزمندان هنوز در بت پرستی پیشین خود پا برجا بودند. درباره ترکیب سپاهیان خالد بن ولید اطلاعات ما چندان زیاد نیست، ولی کلیه اسناد موجود نشان میدهد که شمار مسلمانان اصیل، یعنی آنهایی که همراه خالد از مدینه آمده بودند در این سپاه بسیار محدود بود، بطوریکه حتی ده درصد از مجموع نفرات را نیز شامل نمیشد. این نیز مسلم است که اگر اینان از آشفتگی فراگیری که در آن زمان بر شاهنشاهی ساسانی حکمفرما بود به حد کافی آگاهی داشتند حمله بزرگ خود را برای غنیمت ستانی همانوقت آغاز میکردند و سه سال در انتظار نمی ماندند.

این سه سال شاید میتوانست برای امپراتوری در حال زوال فرصتی مساعد جهت آمادگی و بسیج باشد، زیرا روی کار آمدن یزدگرد سوم در همین زمان، نشان میداد که سرانجام طبقات مسخ شده اشراف و روحانیت به ضرورت جستجوی یک راه حل نجات بخش برای کشور بیمار خود پی برده بودند، ولی از دیدگاه واقع بینی فرصت بکلی از دست رفته بود و نیروی حیاتی بیمار به چنان تباهی کشیده شده بود که دیگر امیدی برای نوشدارو نمانده بود.

بن مایه : پس از هزار و چهارصد سال – دکتر شجاعالدین شفا

گردآورنده:

شاهین کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/books/>